

عالمی دیگر نباید ساخت ...

• دکتر نورالله مرادی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

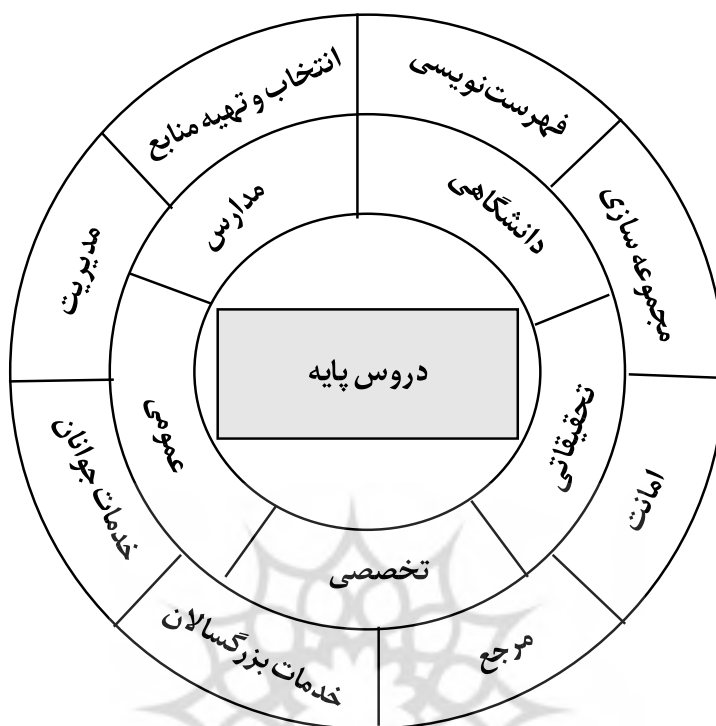
فارغ التحصیلان از آن‌ها اطلاعات چندانی ندارند، و چه بسا بی‌اطلاعند. یادمان باشد که در سال ۱۹۷۸، هنوز رایانه‌های شخصی، سایت‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به میزان امروزی وجود نداشت. نسل دوم رایانه بود و فقط در بخش‌های مجموعه‌سازی و فهرست‌نویسی از رایانه استفاده می‌شد، آن هم برای بهره‌گیری از مراکزی چون او.سی.ال.سی.

پیشرفت فناوری‌های اطلاع‌رسانی و تغییرات ژرف فرهنگی و اجتماعی در ربع سوم سده بیستم از یک سو، و ایستایی برنامه‌های درسی مدارس کتابداری و عقب ماندن آن‌ها از روند تغییرات اجتماعی - فرهنگی و فنی، از سوی دیگر، موجب ایجاد چنین شکافی میان نظام آموزش کتابداری و نظام کتابخانه‌ها در آمریکا شده بود. در واقع این گردهمایی نقطه عطفی در نظام آموزش کتابداری در آمریکا شد. کلیه مدارس کتابداری آمریکا در برنامه‌های درسی خود تجدید نظر جدی و کلی کردند. حاصل این «خانه‌تکانی» برنامه درسی جدیدی شد که از دروس قبلی، اثر چندانی باقی نگذاشت.

پیشرفت سریع و عظیم فناوری‌های ارتباطات و اطلاع‌رسانی، در نیمه دوم سده بیستم، و بخصوص در ربع آخر آن قرن، در همه زمینه‌ها و حوزه‌های زندگی بشر، از جمله در نظام کتابداری و اطلاع‌رسانی تغییرات ژرف و گسترده‌ای ایجاد کرد. به نوعی می‌توان گفت که رؤیای «دهکده جهانی» مارشال مک لوهان به حقیقت پیوست. رایانه‌های شخصی حتی تا دور افتاده‌ترین نقاط جهان و در خانه‌های امن مردم راه یافت. اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی، تلفن همراه و ده‌ها اختراع دیگر و بهره‌گیری از آن‌ها موجب شد تا «عالم دیگری» ساخته شود و طبیعتاً نیاز به «آدمی» دیگر نیز احساس می‌شد. مشکلی که در گردهمایی سال ۱۹۷۸ در انجمن کتابداران آمریکا مطرح شد، این بار، با ابعادی بسیار عظیم‌تر در همه کشورهای جهان به چشم می‌خورد. ایران نیز از این قاعده



در گردهمایی سال ۱۹۷۸ انجمن کتابداران آمریکا، رؤسای کتابخانه‌ها از نظام آموزش کتابداری در آن کشور شکوه و شکایت کردند. آن‌ها مدعی بودند که فارغ التحصیلان مدارس کتابداری، اگرچه درس‌های خود را خوب خوانده‌اند و نمرات درخشانی هم در کارنامه‌های خود دارند، اما در عمل برای کار در کتابخانه‌ها کارایی چندانی ندارند و عمدتاً پس از بکارگیری آن‌ها، رؤسا و کتابداران ارشد کتابخانه‌ها ناچارند در مدت چند ماه آن‌ها را آموزش حین خدمت بدهند و برای کار در کتابخانه آماده سازند! زیرا آن‌ها دروسی خوانده‌اند که چندان به درد کتابخانه‌ها نمی‌خورند و در کتابخانه‌ها خدماتی ارائه می‌شود و کارهایی انجام می‌گیرد که این



شکل ۱

جای دروسی در ارتباط با تغییرات و اختراعات جدید (از جمله دیسک‌های فشرده، منابع دیداری - شنیداری، اینترنت و شبکه‌های الکترونیکی اطلاع‌رسانی و بسیاری موارد دیگر) خالی است و مهم‌تر از همه، بخصوص در دوره کارشناسی ارشد، دروسی که نظریه‌ها و فلسفه کارهای کتابداری و چرایی خدماتی که در دنیای امروز باید ارائه دهد، زیاد نیستند. در نتیجه، فارغ‌التحصیلان کتابداری با دانش کلی و عمومی‌ای که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد فراگرفته‌اند، در بخش‌های مختلف کتابخانه (مثلاً فهرست‌نویسی یا مرجع) و در کتابخانه‌های مختلف (مثلاً تخصصی، دانشگاهی یا عمومی) به کار مشغول می‌شوند. این جاست که در سررئیس کتابخانه‌ها آغاز می‌شود.

از سوی دیگر، بکارگیری رایانه و فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی جدید و بهره‌گیری از نرم‌افزارهای کتابداری و هم‌چنین اینترنت، در کتابخانه‌ها ضرورت آموزش تخصصی در حوزه رایانه را صدچندان کرده است. کتابداران باید از حد اطلاعات کلی درباره رایانه فراتر بروند. باید قادر باشند با نرم افزارهای خاص کتابداری کار کنند و بخصوص در بخش مرجع باید بتوانند از امکانات فناوری‌های جدید استفاده کنند و در

مستثنی نبود و نیست. ما نیز نیاز به تجدید نظر کلی و خانه‌تکانی در برنامه‌های درسی مدارس کتابداری داریم. هرچند که این کار را مدتی است عملاً استادان رشته‌های کتابداری در مدارس کتابداری کشور آغاز کرده‌اند. شرح درس‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را نادیده می‌گیرند و باب‌روز و به مقتضای تغییراتی که شده درس می‌دهند.

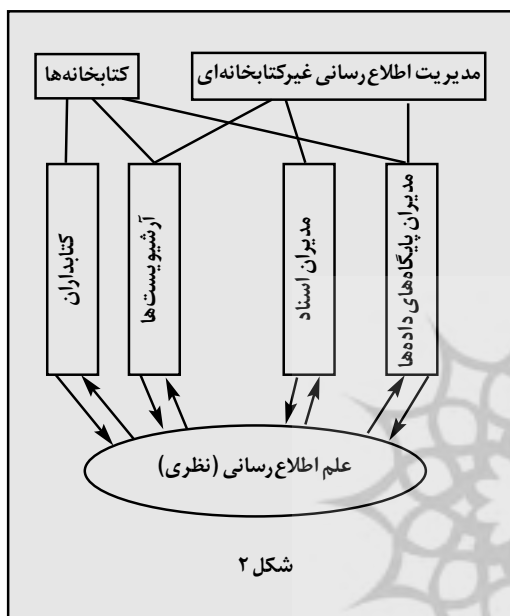
در برنامه درسی دانشکده‌های کتابداری دروسی ارائه می‌شود که بر دو محور استوار است:

۱. کتابخانه به طور کلی، شامل کتابخانه‌های عمومی، دانشگاهی، مدارس، تحقیقاتی و تخصصی.

۲. دروسی که در ارتباط با خدمات کتابخانه، به طور کلی ارائه می‌شود، شامل خدمات فنی، مجموعه‌سازی، مدیریت و خدمات عمومی.

در شکل ۱ دو محور یادشده و رابطه آن‌ها با دروس پایه نمایش داده شده است.

دروس پایه - بخصوص در دوره کارشناسی - چند درسی هستند که دانشجو را با مفاهیم کلی کتابداری آشنا می‌سازند، بخصوص درس «مقدمه کتابداری» و بعد فهرست‌نویسی، مرجع و مدیریت. اما بسیاری از درس‌هایی که در دوره کارشناسی ارائه می‌شود، بار دیگر در دوره کارشناسی ارشد نیز تکرار می‌گردند، و



شکل ۲

کتابداران علاوه بر دانش کلی، به دانش تخصصی در حوزه رایانه و فناوری‌های جدید و مسائل روان‌شناختی و فرهنگی، برای کار با مراجعه‌کنندگان خود نیاز دارند

کمترین زمان، بیشترین اطلاعات را از پایگاه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی پیدا کنند و در اختیار مراجعه‌کننده خود قرار دهند. آن‌ها باید بتوانند با ایجاد نظام‌های (SDI) «اشاعه‌گزینی اطلاع‌رسانی» پیشاپیش به پیشواز مراجعه‌کنندگان بروند و با او ارتباط تعاملی داشته باشند و او را از اطلاعاتی که لازم دارد مطلع کنند. این جاست که نسبت به ۲۵ سال پیش وظایف و خدمات در کتابخانه‌ها تفاوت چشمگیری پیدا کرده‌اند. دیگر خدمات کتابخانه‌های تخصصی با خدمات کتابخانه‌های دانشگاهی یا عمومی، تفاوتشان در سطح نیست، بلکه از هر نظر تفاوت دارند و از یکدیگر متمایزند. از این رو کتابداران علاوه بر دانش کلی، به دانش تخصصی در حوزه رایانه و فناوری‌های جدید و مسائل روان‌شناختی و فرهنگی، برای کار با مراجعه‌کنندگان خود نیاز دارند.

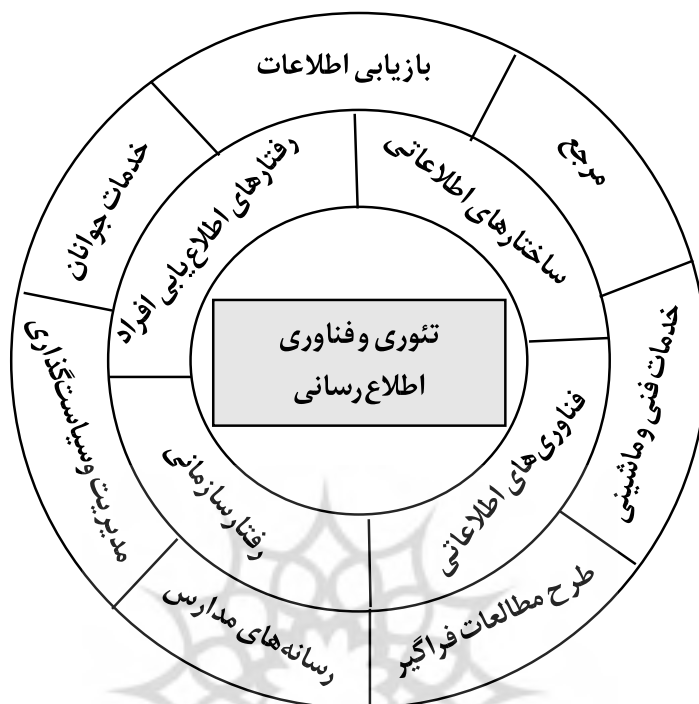
امروزه کتابدار دیگر حلقه واسط و رابط بین بازار نشر کتاب و مراجعه‌کنندگان نیست، بلکه او - به همراهی گروه بزرگی از متخصصان و کارکنان حوزه‌های مختلف دانش بشری - حلقه واسط و رابط میان «بازار تولید اطلاعات» و مراجعه‌کنندگان حاضر و غایب کتابخانه هستند. مواد دیداری - شنیداری، منابع غیرکتابی، مجلات و نشریات مجازی، دنیای اینترنت، و... عملاً «کتابخانه‌های بدون دیوار» را ساخته‌اند و ابعاد زمان و مکان را در امر بازیابی اطلاعات کنار گذاشته‌اند. کتابداران دیگر نمی‌توانند تخصص خود را محدود به حوزه کتابداری - به معنای سنتی آن - بکنند و بقیه کارها را تخصص دیگران بشمارند، بلکه لازم و ضروری است که با علوم ارتباطات، روان‌شناسی اجتماعی از یک سو و اطلاعات فنی بهره‌گیری از رایانه و اینترنت آشنایی کافی داشته

باشند. البته تخصص‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی که جای خود را دارند. تغییر اساسی در نظام کتابداری و کتابخانه‌ها چندان هم بی‌حکمت نیست، مثلاً تغییر نام «کتابخانه‌ها» به «مرکز رسانه‌ای» یا «مرکز منابع یادگیری»، یا «مرکز اطلاعات» و... امروزه، تخصصی که یکصد سال پیش «کتابداری» خوانده می‌شد به ده‌ها و شاید صدها - «حرفه اطلاع‌رسانی» تبدیل شده که «پایه نظری» مشترکی دارند. مایکل بوکلند در کتاب خدمات کتابداری در محتوا و نظر نموداری را ترسیم می‌کند که این تقسیم‌بندی جدید را نمایش می‌دهد (شکل ۲).

از این نمودار برمی‌آید که مهم‌ترین اهداف برنامه‌های درسی مدارس کتابداری عبارت‌اند از:

۱. شناخت و بکارگرفتن کارکردهای خدمات اطلاع‌رسانی خارج از حوزه کتابداری سنتی است.
 ۲. این بنیادها بایستی از نظر تئوری بر پایه علم اطلاع‌رسانی قرار گرفته باشند.
- با در نظر گرفتن این دو هدف نمودار درسی مدارس کتابداری را می‌توان در شکل ۳ نمایش داد.

این طرح از اواخر دهه ۱۹۸۰ در دانشگاه راتگرز بکار گرفته شده است. زیربنای برنامه‌ریزی درسی را سه درس اصلی



شکل ۳

درس از دو بخش دروس نظری کلاسی و کار عملی در لابراتور (آزمایشگاه) تشکیل می‌شود و دانشجویان با «تکنولوژی» نوین اطلاع‌رسانی، در سطوح مختلف نظری و عملی آشنا می‌شوند. از جمله آشنایی با رایانه و ابزار و تجهیزات نوین، تجسس در پایگاه‌های پیوسته (آنلاین)، لوح‌های فشرده، داده و واژه‌پردازی، پست الکترونیکی، موتورهای تجسس در اینترنت، رسانه‌های چندکاره و چند منظوره، و ده‌ها مقوله دیگر. آموزش و یادگیری دروس «رفتار اطلاعاتی» و «فناوری‌های اطلاعاتی» عملاً کتابدارانی را تربیت می‌کنند که خواهند توانست کتابخانه‌ها را از «مجموعه مدار» به «مراجعه‌کننده مدار» سوق دهند و با بهره‌گیری از امکانات عظیم و شگرفی که فناوری‌های مدرن اطلاعاتی در اختیارمان گذاشته بیشترین خدمات را به مراجعه‌کنندگان (حاضر در کتابخانه و یا از راه دور) ارائه دهند.

ذکر این نکته خالی از فایده نیست، که ارائه چنین مقولات مهمی عملاً در یک درس و یک نیم سال عملی نیست و این درس بنیادی خود به تعدادی دروس زیرمجموعه‌ای و پیوسته به هم تقسیم می‌شود؛ بخصوص که سرعت تغییرات در فناوری‌های اطلاعاتی بسیار سریع و شدید است و لازم است دروس و مطالب

تشکیل می‌دهند: رفتار اطلاع‌یابی افراد، ساختارهای اطلاعاتی، و فناوری مخصوص کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی. البته دروسی که مقدمات مطالعات کتابداری و اطلاع‌رسانی محسوب می‌شوند و به برنامه‌ریزی درسی جهت و سو می‌دهند نیز در کنار این سه درس اصلی قرار می‌گیرند. درواقع، هریک از این دروس، یکی از چهار حوزه دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی را که در برنامه‌ریزی درسی منظور شده است، معرفی می‌کنند. (شکل ۳).

این چهار حوزه دانش عبارت‌اند از: رفتار اطلاع‌یابی افراد، ساختارهای اطلاع‌رسانی، فناوری‌های اطلاعاتی، و رفتار سازمانی. درس‌های «رفتار اطلاع‌یابی افراد» و «ساختارهای اطلاعاتی» که مقدمات آشنایی با حوزه‌هایی با همین نام‌ها هستند، از نظر محتوا و جهت‌گیری کاملاً نظری هستند. ارائه این درس‌ها نشان از جابه‌جایی و تغییرات بزرگی در برنامه‌های درسی است. در برنامه‌های درسی قبلی حرکتی به چشم می‌خورد از مطالعات «کلی - به - تخصصی» که از همان مراحل اولیه بیشتر بر جنبه‌های عملی تأکید می‌کرد. دومین تغییر، که از نظر بحث ما از اهمیت زیادی برخوردار است - به درس بنیادی «فناوری‌های اطلاعاتی» مربوط می‌شود. این



ورده‌بندی از اصول و قواعد زبان شناختی و تفکر حاکم بر نظام کتابخانه آگاه باشد. از این رو، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاع‌رسانی و رایانه در بخش مرجع به مراتب پیچیده‌تر است و نیاز به تخصص ویژه و خاص دارد. کتابدار مرجع باید درس‌آشنایی با «منابع پایه اطلاع‌رسانی» را بگذراند و در پی آن در درس تخصصی با منابع مرجع و اطلاع‌رسانی، از جمله علوم انسانی، علوم و تکنولوژی و علوم اجتماعی آشنا شود. تا این جا، همان روال برنامه‌ریزی درسی سنتی است. علاوه بر اینها کتابدار مرجع باید با لوح‌های فشرده اطلاع‌رسانی، پایگاه‌های تخصصی در اینترنت و روش استفاده از آن‌ها را نیز فرا گرفته باشد. با موتورهای تجسس و بخصوص رسانه‌های چند منظوره آشنایی کافی داشته باشد تا بتواند با بهره‌گیری از روش‌های سنتی و منابع کتابی، و استفاده از فناوری‌های جدید، لوح‌های فشرده، اینترنت و رسانه‌های چند منظوره بیشتر بین کمک‌را به مراجعه‌کنندگان خود بنماید.

حاصل کلام آن است که تکنولوژی اطلاعاتی - ارتباطی با سرعتی نفس‌گیر به پیش می‌رود و برنامه‌های درسی نظام آموزش کتابداری ایران نمی‌تواند پاسخگوی چنین سرعت و تحولات و تغییرات حاصل از آن باشد. جا دارد با استفاده از دانش و تجربه اساتید و دست‌اندرکاران آموزش کتابداری و هم‌چنین با الگو گرفتن از برنامه‌های درسی دانشگاه‌های دیگر کشورهای جهان تجدید نظری کلی در برنامه‌ریزی آموزش کتابداری کشور - در همه سطوح انجام گیرد. ذکر این ضرب‌المثل در اینجا خالی از فایده نیست:

اگر برای یک سال برنامه‌ریزی می‌کنید، برنج بکارید، اگر برای ده سال برنامه‌ریزی می‌کنید درخت بکارید، اگر برای صد سال برنامه‌ریزی می‌کنید، آموزش بدهید و نیروی انسانی تربیت کنید.

درسی زیرمجموعه‌ای درس «فناوری‌های اطلاعاتی» به طور مرتب روزآمد گردد. این رویکرد فقط به فناوری نباید توجه داشته باشد، بلکه لازم است تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه بشری، و به طور خاص جامعه ایران، را نیز مدنظر داشته باشد. از آن جمله است تغییر جهت اهداف کتابخانه‌ها از «مجموعه محوری» به «کاربر محوری».

دلیل دیگر برای تجدید نظر کلی و روزآمد دروس کتابداری آن است که ماشینی کردن کتابخانه‌ها در درجه اول بر عهده متخصصان رایانه است که عموماً خارج از نظام کتابخانه و کتابداری هستند. اگر کتابداران می‌خواهند که متخصصان رایانه به گونه‌ای سیستم مکانیزه کردن کتابخانه را طراحی کنند که مورد دلخواه کتابداران و پاسخگوی نیازهای آن‌ها باشد، لازم و ضروری است که خود به دانش و تخصص در حوزه رایانه و علوم وابسته به آن مجهز باشند. البته منظور آن نیست که کتابداران باید در حد و حدود متخصصان رایانه در این حوزه تخصص داشته باشند، مگر کتابداران پزشکی به اندازه پزشکان پزشکی می‌دانند، بلکه منظور آن است از مقدمات و کلیات آن علم اطلاع کافی داشته باشند تا بتوانند در کنار متخصصان رایانه قرار بگیرند، و با داشتن زبانی مشترک، از آن‌ها بخواهند که نظام را از نظر فنی - و هم‌چنین از نظر فرهنگی و اجتماعی - به گونه‌ای طراحی کنند که مورد پسند آن‌ها باشد. این مهم جامعه عمل نخواهد پوشید، مگر آن که کتابداران در دوره‌های آموزش رسمی - و حین خدمت - با این اصول آشنا شوند.

در بخش مرجع، بهره‌گیری از لوح‌های فشرده و اینترنت می‌تواند کمک بسیار بزرگ و مؤثری برای کتابدار مرجع باشد. به یاد داشته باشیم که کتابدار مرجع از یک سو باید همانند کتابدار بخش امانت، با مردم تعامل داشته باشد و با کمک فنون تخصصی مرجع، از جمله پرسش و پاسخ و مصاحبه، از چند و چون سؤالات مرجع آگاهی یابد و از سوی دیگر، همانند کتابداران بخش فهرست‌نویسی